

بسم الله الرحمن الرحيم

سنایی و ابوالعتاهیه

بررسی تطبیقی اشعار زاهدانه

مؤلف:

اشرف کوثری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۱	فصل اول: تحلیل مضامین و مضادیق همگون اشعار زاهدانه‌ی سنایی و ابوالعتاهیه -- ۱
۲	۱- امل و آرزو
۴	۲- انسانیت
۸	۳- بخل
۹	۴- تفکر
۱۲	۵- تقوا
۱۴	۶- توبه
۱۷	۷- توکل
۱۹	۸- جهل
۲۱	۹- حرص و طمع
۲۴	۱۰- خشم و غضب
۲۶	۱۱- خشوع
۲۸	۱۲- دنیا
۴۰	۱۳- دوست نیکو
۴۴	۱۴- دین
۴۵	۱۵- رضا
۴۸	۱۶- ریاست
۵۱	۱۷- زهد
۵۶	۱۸- سخن لغو و بیهوده
۵۷	۱۹- صبر
۵۹	۲۰- صدق و راستی
۶۱	۲۱- عقل
۶۵	۲۲- علم
۷۱	۲۳- غفلت

۷۲	۲۴- فقر
۷۴	۲۵- مال و ثروت
۷۷	۲۶- مرگ
۸۰	۲۷- تفاق و ریا
۸۲	۲۸- نماز
۸۴	۲۹- هوای نفس
۹۳	فصل دوم: تحلیل مضامین و مصادیق ناهمگون اشعار زاهدانه‌ی سنایی و ابوالعتاهیه
۹۴	۱- اخلاص
۹۵	۲- ایمان
۹۶	۳- توجه به خدا
۹۷	۴- جسم و تن
۱۰۱	۵- ذکر
۱۰۴	۶- رجا (امیدواری)
۱۰۶	۷- زاری و تضرع
۱۰۸	۸- سنت
۱۱۱	۹- شک و شبهه
۱۱۲	۱۰- شکم‌بارگی
۱۱۵	۱۱- قرآن
۱۱۶	۱۲- کاهلی
۱۱۷	۱۳- مصاحبت با خلق
۱۱۸	۱۴- معرفت الهی
۱۲۱	۱۵- یقین
۱۲۳	فهرست منابع

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های تحقیقی زبان و ادب می‌باشد که مدت‌هاست نویسندگان و پژوهش‌گران از آن به عنوان وسیله‌ای برای تبیین و انتشار فرهنگ و ادب بین ملت‌ها استفاده می‌کنند. کتاب حاضر نیز در حوزه ادبیات تطبیقی قرار دارد، که به بررسی نوعی از شعر در زبان فارسی و عربی با عنوان «شعر زهد» می‌پردازد.

در زبان فارسی، ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی (۴۶۷-۵۲۵ ه.ق) نماینده برجسته‌ی این نوع از شعر است که هیچ یک از استادان بزرگ عرصه‌ی زهدیات، به پای او نمی‌رسند. او توانست قالب جدیدی در شعر یک ملت ایجاد کند که کمتر کسی در آن توفیق داشت، زیرا وارد کردن تحول جدید به درون یک ساختار سنتی که به کمال ورزیدگی و انسجام رسیده، کار بسیار مشکلی است و سنایی توانست تجربه زهد را داخل این ساختار پرشکوه کند. بدین‌گونه که او از تجارب روحانی عارفان و زاهدان قرن‌های دوم تا پنجم برای تحول ساختار سنتی شعر فارسی کمک گرفت و چاهمی «زهد و مثل» را بوجود آورد. شعر او در پهنای زهد و مثل، به صورت اعتراضی انتقاد همراه با لحنی خشونت‌آمیز ولی مثبت است. در این راه ابتدا از خود شروع کرده و آن‌گاه به عناصر دیگر جامعه می‌تازد.

علت حمله او به طبقات مختلف دولت و مردم، بی‌عدالتی‌ها و ناهمواری‌های جامعه‌ی عصر اوست که شعرش را آینه‌ی اجتماع کرده است و آن‌ها را دعوت به نیکوکاری، پرهیز از کارهای ناپسند و آگاهی از سرانجام انسان و روز قیامت می‌کند.

هم‌چنین او در محیطی زندگی می‌کرد که فرهنگ غالب جامعه، فرهنگ صوفیانه بود - که ریشه در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه دارد - و شعر سنایی، نخستین تجربه‌کننده‌ی این معانی بود، می‌توان گفت تقریباً تمام مفاهیم صوفیانه و عرفانی، به کمال یا به اشاره، در مجموعه‌ی آثار باز مانده از سنایی انعکاس یافته و شعر او توانسته در سه حوزه‌ی زهد، تصوف و عرفان، آغازگر، کمال بخش و نقطه‌ی پایان باشد. زیرا عرفان ایرانی و اسلامی با زهد آغاز می‌شود، در مرحله‌ای وارد تصوف شده و به ادبیات عرفانی ختم می‌گردد. در مورد شعر زهد و تصوف او باید گفت سنایی اولین کسی است که مسأله معرفت الهی را وارد شعر

فارسی کرد و در تبیین نظام عرفانی جهان در شعر، او نخستین است. هم‌چنین اندیشه‌ی انسان کامل توسط او بر شعر فارسی افزوده شده است. یکی از اندیشه‌های تکامل یافته در تبیین جهان‌بینی عرفانی سنایی، تلقی او از مرگ است که از دیدگاه اجتماعی و روان‌شناسی به گونه‌ای متنوع، شکفت‌آور و شیوا مورد تأمل قرار گرفته است. اندیشه‌ای که ما را هم به تأمل وامی‌دارد که دلیل آمدن، زندگی و رفتن خود را بشناسیم.

دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی؟

یکی زین چاه ظلمانی، برون شو، تا جهان بینی در زبان عربی هم شعر زهد در قرن دوم به اوج کمال رسید و نماینده‌ی ممتاز این نوع از شعر اسماعیل بن قاسم بن سويد بن کيسان معروف به ابوالعتاهیه (۱۳۰-۲۱۰ ه. ق) است. محور اصلی این شعرها، اندیشه‌ی مرگ می‌باشد.

لَذُوا لِمَوْتٍ وَ ابْتَوَا لِلْخِرَابِ كُلُّهُمْ نَصِيرٌ اِلَى تَبَابٍ

برای مردن بزیاید و برای خراب شدن بسازید که همه به سوی هلاکت می‌روید.

لَمَنْ تَبْنَى وَ نَحْنُ اِلَى تُرَابٍ نَصِيرٌ کَمَا خُلِقْنَا مِنْ تُرَابٍ

در حالی که همگان به خاک بر می‌گردیم، چنان‌که از خاک آفریده شده‌ایم پس برای که بسازیم؟

ابوالعتاهیه در زهدیات خود از مکتب فلسفی معینی پیروی نکرده و آن‌ها یک سلسله مواعظ ادبی و تأملاتی شاعرانه در مورد زندگی، تحقیر دنیا، دعوت به قناعت و مرگ است، که با استفاده از احادیث دینی و عقاید شایع اصحاب زهد و تصوف، کنار هم چیده شده است.

او عقیده دارد دنیا مجموعه‌ای از اباطیل فریبنده، ناپایدار و لریز از رنج و نومیدی است که گاهی به انسان روی خوش نشان داده و اسباب راحتی و نعمت او را فراهم می‌کند، ولی طولی نمی‌کشد که سرانجام کار آدمی به گور می‌انجامد و دیری نمی‌پاید که مرگ خاطره‌ی انسان را حتی از نزدیک‌ترین کسانش می‌زداید.

ابوالعتاهیه نگران غفلت مردم است که در منکرات غرق شده و در طلب مال، کوشا و از انفاق آن بیم داشته و از زشتی عمل خود بی‌خبرند. به نظر او مردم باید به خود آیند و به راه خیر و سعادت یعنی راه دین قدم گذاشته و زندگی دنیا را با همه‌ی لذاندش به دور افکنند. به قسمت ازلی قانع باشند و بدین وسیله ثواب اخروی بخرند زیرا آن‌چه در خور توجه و اعتبار

است زندگی اخروی است و بهترین توشه‌ی آدمی در این راه، زهد و پرهیزکاری می‌باشد. زهدیات او تأملات یک انسان است که با تحقیر زندگی و بدبینی نسبت به آن، ورطه‌های شوربختی را در آن می‌شمارد و همه‌ی این معانی را با قوت و نیروی بلاغت، به صورت مجموعه‌ای از کلمات قصار حکمت‌آمیز در ایاتی متین و محکم، گردآورده است که هر یک در لفظی اندک، فکری عمیق و انسانی را در بر دارد.

از این رو بررسی اشعار زاهدانه‌ی سنایی و ابوالعاهیه، موضوع این کتاب قرار گرفت تا بتواند از خلال این موشکافی، هر چند اندک، دستاوردهایی والا نصیب خوانندگان گرداند. کتاب حاضر خلاصه‌ی پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد مؤلف در رشته زبان و ادبیات فارسی به سال ۱۳۸۸ با نمره عالی می‌باشد.

در پایان از دانای گرام، جناب آقای دکتر سیدحسین سیدی‌استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد که به عنوان استاد راهنما، راهنمای مشعل‌دار این راه خطیر بودند، صمیمانه آرزوی نیکی‌بختی دارم و امیدوارم همان‌طور که در حق این ناچیز، بذل علم نمودند، خداوند همچون گذشته ایشان را مورد توجه و بذل خویش قرار دهد.

نیز از دانشور همام، جناب آقای دکتر فرزاد (جواد) عباسی، استاد نمونه دانشگاه آزاد که به عنوان استاد مشاور، مُشیر در تنگناهای مسیر بودند، بسیار سپاسگزارم و آرزو مندم با استعانت از ایزد یکتا، تنگناهای زندگی‌شان گشوده شود.

هم‌چنین از استادان فرزانه، سرکار خانم دکتر پروین دخت مشهور، سرکار خانم دکتر بتول فخراسلام، جناب آقای دکتر اکبر شعبانی، جناب آقای دکتر دشتی و جناب آقای دکتر مهدی نوروز که موجبات تشویق این جانب را برای ادامه تحصیل فراهم آورده ولی از جبران زحمات آن عزیزان ناتوانم، دنیا دنیا، باران رحمت ایزدی نثارشان باد.

آفتاب دین، برون از گنبد نیلوفری است پر برآر از داد و دانش، بو کزو بیرون پری
ور نه هرگز کی توان کرد، آفتاب راه را از فرود گنبد نیلوفری، نیلوفری
از درون خود طلب، چیزی که در تو گم شده است آن‌چه در دربند گم کردی، مجوی از بردری